

ناسیونالیسم؛ از حرف تا عمل

داود مهدوی زادگان

دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. انسان، آنگاه که خود را جدی می‌گیرد، به پرسش از چیستی و کیستی خود می‌اندیشد و پاسخی که به این پرسش می‌دهد، همان تعریف و هویت شخصی است. و همچنین، آنگاه که خود را درون اجتماعی از انسان‌ها می‌بیند، به تعریف جدیدتری دست می‌یابد که فقط خود را شامل نمی‌شود بلکه تعریف جدید به اعتبار همان مجموعه‌ای است که او در آن جای دارد. آن تعریف، هویت جمعی است. اگر هویت جمعی را در مقیاسی وسیع و عام، ولی قابل تمییز از غیر، لحاظ کنیم مفهوم «ملت» شکل می‌گیرد. ملت، مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از انسان‌ها است که بر پایه سلسله‌ای از امور مشترک پدید می‌آید. این امور مشترک، سیال است و در هر دوره و مکانی پدید می‌آید و اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد. امر مشترک هم هر چیزی می‌تواند باشد. مفهوم ملت با تبدل امور مشترک، باز تولید می‌شود و معنای جدیدی پیدا می‌کند. تعصبی که افراد این مجموعه به هویت جمعی یا ملت خویش دارند، مفهوم «ملیت» را می‌سازد. ملی‌گرایی، تعلق خاطر است که افراد جامعه به هویت ملی خود پیدا می‌کنند.

۲. اروپاییان از این نوع جمع‌گرایی ملی یا ملی‌گرایی با عنوان «ناسیونالیسم» یاد کرده‌اند و پیرامون آن، مجموعه گسترده‌ای از مباحث نظری در موافقت یا مخالفت با آن به راه انداخته‌اند. از جمله اینکه ملت بر پایه کدام دسته از امور مشترک تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، ملیت هر فرد به چیست و باید این تعلق خاطر و عصبیت را معطوف به چه امر مشترکی کنیم. آنان این مساله را نیز طرح کرده‌اند که اساساً ملیت و هویت ملی، مفهوم جدیدی است که از خرد ورزی خود بنیادانه پدید آمده است. با وصف این، ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود، العبر، بحث عصبیت جمعی را پیش کشیده است. دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه درباره مرزداران است. امام سجاد علیه السلام از خداوند می‌خواهد که به عزت خود مرزهای مسلمانان را استوار دارد و پاسداران مرزها را به قوت خود تقویت کند (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَصِّنْ نُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ).

۳. به هر روی، در ایران معاصر (از مشروطیت به این سو) موج جدیدی از ملت خواهی، ملی گرایی و گرایشات ناسیونالیستی، همچون دیگر نقاط جهان، به راه افتاده است. افراد و گروه های زیادی دعوی ملیت ایرانی و ملی گرایی را دارند. اما آیا چنین دعوی تا چه اندازه می تواند با واقعیت مطابقت داشته باشد؟ این پرسش، وقتی جدی تر می شود که برخی از دعاوی ملی گرایی، جریانات و گروه های رقیب را به ضدیت با ملیت ایرانی متهم می کنند و خود را پیشتاز هوا خواهی ملت ایران می دانند؟ پس، پرسش اساسی در محک ناسیونالیسم و ملی گرایی است. مسلماً مقصود از این سنجش، محک فلسفی نیست. زیرا سنجش فلسفی مربوط به ساحت تصور و تصدیق موضوع ملیت است. در چنین ساحتی، اگر تعریف ارائه شده ملیت از تناقضات درونی در امان مانده باشد؛ مشکل نظری پیش نمی آید. پس، مقصود محک عملی دعاوی ملی گرایی است. پرسش این است که با شکل گیری تجربه های ملی گرایانه، کدام تجربه موفق بوده است؟ فرض ما بر این اصل استوار است که نه هر کس یا گروهی که در لسان، دعوی ملی گرایی را ندارد، لزوماً ضد ملت است و نه هر کس یا گروهی که به زبان دعوی ملی گرایی را دارد، لزوماً هوا خواه ملت است. به عبارت دیگر، می توان گفت که میان ملی گرایی یا ناسیونالیسم، از حرف تا عمل فاصله زیادی است. مسلماً آن تعریف و تفسیری از ملیت موفق تر است که این فاصله حرف تا عمل را به حداقل بلکه به صفر برساند. در واقع، ضرورت دارد نظریه های ناسیونالیستی، علاوه بر سنجش نظری به محک عملی هم در آید.

۴. بر این اساس، در یک دسته بندی کلی، رویکرد های ناسیونالیستی یا هوا خواه ملت در سده اخیر ایران را می توان در سه گفتمان اصلی زیر جمع بندی کرد:

۱. گفتمان ملت خواهی اسلامی

۲. گفتمان ناسیونالیسم باستان گرا

۳. گفتمان ناسیونالیسم غرب گرا

۵. طبیعی است که برای سنجش کارآمدی هر یک از این سه رویکرد، به تعیین ملاکات ارزیابی عملی نیاز است. اجمالاً می توان گفت که هر گونه رویکرد ناسیونالیستی که واجد همه یا برخی از ویژگی های زیر باشد؛ از نا کارآمدی عملی و بلکه عدم مشروعیت نظری رنج می برد:

(۱) واگرایانه؛ ملی گرایی که در جهت گسیختگی اجتماعی عمل می کند.

- (۲) عاریتی ؛ ناسیونالیسمی که اصالت ندارد و به افتخارات هویت های ملی غیر همسو ، مباحثات می کند . (۳) وابسته و پیرو ؛ ملی گرایی که خود ذیل ملی گرایی های متجاوز تعریف می کند .
- (۴) احساسی محض و غیر عقلانی ؛ ملی گرایی که کاملاً عاطفی و احساسی عمل می کند و از هر گونه عنصر خرد ورزی بی بهره است .
- (۵) غیر تکثر گرا ؛ ملی گرایی که از تکثر گرایی حداقلی برخوردار است .
- (۶) غیر مسئولانه ؛ ناسیونالیسمی که با پیامدهای تصمیمات و توافقات خود ، مسئولانه رفتار نمی کند .
- (۷) فاقد غیریت ؛ ملی گرایی که فاقد عصبیت برابر دشمنان ملت است .
- (۸) فرد گرایانه ؛ ناسیونالیسمی که بر منافع فرد در مقابل منافع ملی تاکید می ورزد .
- (۹) غیر حماسی ؛ ملی گرایی که شجاعت حضور مشفقانه و دلسوزانه به هنگام وقوع سختی ها و شداید سیاسی و اجتماعی ملت را ندارد و همواره سیاست سازش و تسلیم را بر سیاست مقاومت مقدم می کند . .
- (۱۰) خود شماتت گر ؛ ناسیونالیستی که همواره ملت را مورد شماتت قرار می دهد و نه دیگری .

جمع بندی : با توجه به ویژگی های ناکارآمدی یاد شده ، از بررسی کارنامه عملی سه گفتمان ملیت خواهانه اسلامی و ناسیونالیسم باستان گرا و ناسیونالیسم غرب گرا در سده اخیر ایران ، می توان چنین نتیجه گرفت که ملت خواهی اسلامی در پرهیز از ویژگی های بالا موفق تر عمل کرده است . در مقابل ، همه یا برخی از ویژگی های بالا را می توان در آن دو گفتمان سراغ گرفت .